

مطالبی درباره

داستان نویسی در فرانسه

قسمت اول

فرانسه سرزمینی است که در آن داستان نویسان بزرگ پرورش یافته اند و بنابراین از لحاظ داستان نویسی ، تاریخ بسیار جالب توجهی دارد . هر چند خلاصه کردن این تاریخ جالب در یک مقاله نه چندان آسان و نه چندان پسندیده است معینا امید اینست که این چند کلمه برای خوانندگان مبتدی ، بعنوان قدم اول ، بر بی خاصیت نباشد!

منتقدین انگلیسی عقیده دارند که پس از تحول زندگی و مظاهر آن ، « ریچاردسن » نویسنده انگلیسی ، نخستین نویسنده بی بود که بسبب جدید داستان نوشت . ولی اگر به روو Prévost فرانسوی کتاب معروف عشق بازبهای Manon Lescaut با Chevalier des Grieux را فقط ده سال زودتر ، یعنی قبل از انتشار « Pamela » منتشر میساخت ، شاید امروز بجای ریچاردسن میتوانستیم او را نخستین نویسنده بی بنامیم که بسبب جدید در اروپا داستان نوشته است . زیبایی و سادگی و عمق کتاب او مورد ستایش و تقلید بسیاری از نویسندگان و منتقدین بزرگ واقع شد . سه روز علاوه بر این ، آثار ریچاردسن را نیز بفرانسه ترجمه کرده است . و عجیب اینکه ترجمه های او در فرانسه حتی بیش از اصل آن آثار در انگلستان ، مورد توجه قرار گرفته است .

اما استقبال خوانندگان فرانسوی از داستان منحصر به داستانهای عشقی نبود . در فرانسه از داستانهای عمیق فلسفی هم بهمان نسبت استقبال میشد . بزرگترین نویسنده این رشته « ولتر » است « ولتر » برای مسخره کردن و کوبیدن بنای اجتماعی زمان خود ، که سخت بآن بی عقیده و معترض بود ، داستانهای زیادی نوشت . بیشتر

داستانهای او دارای زمینه و فضای شرقی و برای خوانندگان اروپایی نا آشنا و دور از ذهن است. و چون تا کسی درجایی بسر نبرده باشد نمیتواند روح آن محیط را درک کند و در آثار خود منعکس سازد، ای بسا که خوانندگان شرقی هم داستانهای ولتر را نپسندند. علت اینکه ولتر زمینه داستانهای خود را اقله‌های دور مشرق زمین انتخاب میکرد، شاید این بود که در جوانی بعلمت مبارزات سیاسیش او را در باستیل زندانی کرده بودند و چون بدین طریق از حکومت غدار زهر-چشم دیده بود، بی‌گدار به آب نمیزد. و مطالب خود را که مبین نظریات اجتماعی، حاوی انتقادات شدید از اجتماع بود، در زیر پرده‌بی از نیشخند و فانتری مخفی میداشت.

هنرهای و مطایبه زیر کانه او در داستان «کاندید» با آخرین درجه خود میرسد. «کاندید» نام قهرمان داستان اوست. و داستان او، داستان بدبختیها و گرفتاریهای این قهرمان است؛ از زمانی که بدست بلغاریها اسیر میشود تا هنگامیکه در یک مزرعه دور افتاده در آناتولی اقامت میکند. ولتر این داستان را مخصوصاً برای هجو این نظریه فیلسوفان زمان نوشت که میگفتند: «در این بهترین عالم امکان، همه چیز برای بهترین حکمت آفریده شده است.» - نماینده این طرز تفکر فیئالیستی در «کاندید»، «پانگلاس» پروفور علوم الهی و ماوراء الطبیعه است. در پایان داستان هنگامیکه «پانگلاس» بالجن فیلسوفانه‌یی میخواهد به کاندید ثابت کند که همه بدبختیهای او از روی حکمت است، کاندید او را ریشخند میگیرد: «همه اینها درست ولی حالا بیایم ویم با آنچه مان را بیل بزیم!» ولتر برای آزادی عقیده و آزادی بیان مبارزه میکرد. بجز داستان، ولتر شعر، تراژدی، کمدی، تاریخ و انتقاد و فلسفه هم نوشته است که رویهمرفته صد جلد کتاب را تشکیل میدهد. ولی شهرت و اهمیت او بیشتر بواسطه همان دو اثر مطایبه آمیز بسیار قوی او یعنی «کاندید» و «زادیک» است.

آن آزادی که ایشطور مورد مدافعه نویسندگان قرن هیجدهم قرار گرفته بود، بعدها در روح زمانه نفوذ کرد و زمینه (تم) اصلی داستانهای نویسندگانی مانند Henry Beyle را تشکیل داد. این نویسنده آثار

خود را باهضاء مستعار « Stendhal » منتشر میکرد . استاندال میگفت که آینه‌کسان بهتر از مردم همزمانش او را خواهند فهمید . در تاریخ ادبیات نویسندگان و شعرای زیادی بوده‌اند ، هستند ، که ادعا میکنند از زمان خود جلو افتاده‌اند . هانری بیل هم از آن دسته بود . و حتی بقدری به پیش بینی خودش معتقد بود که تاریخ هم تعیین میکند میگفت « مرادر ۱۹۳۵ خواهند فهمید . و روی همین اصل عده‌بی استقبالی‌ها که تا قبل از جنگ دوم در (Le Rouge et Le Noir) و (La Charleuse) و (Vie de Henri Brolard de Parme) میشد بمصدق این پیش بینی می‌پنداشتند !

استندال در تجزیه و تحلیل اعمال و حرکات کاراکترها بشردوش کاملاً تازه‌بی داشت بقول خودش آنچه را که در دلش میگذشت ، از روی صداقت و صراحت بیان میکرد .

از لحاظ وسعت میدان عمل ، و تنوع کاراکترها و قدرت تصور و تطبیق واقعات در میان نویسندگان قرن نوزدهم فرانسه « بالزاک » از همه برجسته تر است . در آثار او چهره‌های جالب توجهی از بورژواها ، مردم پاریس ، دهانیها ، آسمان جالها و انواع تب‌های دیدنی تصویر شده است . هنر بالزاک در اینست که مردم را نه بطور تک‌تک و انفرادی بلکه دسته جمعی در کبر و دار آندکی نشان میدهد . مجموعه داستانهای بالزاک که خود او نام « کمدی بشری » بآن داده است ، پند آینه تمام‌نما از اجتماع عصر او است . بالزاک با اینکه کاراکترهای داستانهایش را از همه نوع و از همه طبقات انتخاب میکرد و به تحلیل حرکات و روحیات آنها میپرداخت ، اصولاً در تصویر چهره آزمند و طمع‌کار و خودخواه و روحیه اختیار از دست داده بورژوازی فرانسه بسیار استاد و هنر‌نما بود . بالزاک هر چند دارای قدرت تخیل بسیار نیرومندی بود ، ولی مایه داستانهایش را از واقعات و خاطرات شخصی خود میگرفت . در جوانی ، هنگامیکه در خیابانهای پاریس سرگردان بود ، و هنگامیکه پای پیاده جاده‌ها را می‌پیمود و از شهری شهری میرفت ، خاطرات بسیاری از مشاهدات خود اندوخته بود . که بعد ها در داستانهای رئالیستی او بعنوان مایه کار مورد استفاده قرار گرفت . زمان او زمان رشد بورژوازی بود و از جوش و خروشی که در بازارها و پشت میزهای قمار و سالنهای پذیرایی و اطاقهای خواب در کبر بود ، این داستان سرای بزرگ میتوانست داستانها بزند .

(باقی در شماره آینده)



Handwritten text in Urdu script, likely a signature or name, enclosed in a rectangular box.

Kashmir

